

روایت کم‌تر دیده شده شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی از قیام پانزده

خرداد/2

هم آغاز با این سرو صدا که در قم از اول آفتاب بیدا شده در تهران قریب دو یا سه ساعت بعد از آن بود که صدایی چند صد برابر این صدا به گوش می‌رسید و همگی با یک جنبش همه جانبه می‌گفتند: یا مرگ یا خمینی؛ مسلسل‌های بیگانگان که از پول این ملت تهیه شده بود به روی این ملت بستند و گفته شد که قریب ۱۵ هزار نفر را در مدت بسیار کوتاهی از بین بردند و مطابق نقل صحیح در میدان سپه توپ می‌انداختند و خدای می‌داند که قوای دشمن ملت تا چه حد بی شرمی کرد.

ابتدا دستور شلیک نداشتند و بعد از آن که دیدند کار ملت بالا گرفته است و در نزدیکی بی‌سیم رسیدند که دستور زدن به هدف توسط #رئیس_پلیس و وقت به نام #سرهنگ_وثیق ابلاغ شد. ولی این دستور همراه با آن بود که به قسمت پایین تنه بزنند. ولی باز خطر نزدیک‌تر شد از این جهت توسط بی‌سیم شخص شاه خائن لعنه الله تعالی به شماره ۲۵/۲۷ که رمز مخصوص آن وقت بود، فرمان صادر کردند و مردم بی‌گناه شهر تهران را به آتش کشیدند. این خبر تا عصر روز پانزدهم خرداد، یعنی دوازدهم محرم به گوش می‌رسید. فردای آن

روز هم صدایی از گوشه و کنار به پا خواست ولی دیری نپایید که باز در هم شکسته شد.

تهران تحقیقا تعطیل بود. اطراف تهران تعطیل بود. از ورامین جماعتی با اسلحه سرد حمله به تهران کردند. در اواسط راه مصادف شدند با قوای مسلح، همگی را کشتند و یکی از دوستان موثق به من که از مشهد در آن ساعت رسیده بود، می‌گفت گویا تپه‌ای از کشته مردم ساخته‌اند و از کنار آن مسیر خون جاری به چشم می‌خورد همراه با این سر و صدا که در #تهران و #قم و #ورامین بود در سایر شهرستان‌ها خصوصا #شیراز که آقای #محلاتی را از آنجا روز شانزدهم گرفتند و در مشهد آقای #قمی را بازداشت کرده بودند نقل شده ولی کشتاری در آنجا به طور مسلم معلوم نگشت

رادیوهای داخلی و خارجی قصه گرفتاری آقای خمینی را اعلام کردند در نتیجه مراکز شیعه‌نشین خصوصاً عراق و نجف و کربلا از این قضایا مطلع و جنب و جوشی راه افتاد و فعالیت‌هایی با دقت و عمل در کار بود که البته پرواضح است که در این مواقع این‌گونه کوشش‌ها به جایی نمی‌رسد ایشان را ابتدا به دانشکده افسری و عصر آن روز به قصر و بعد از ۱۹ روز به عشرت آباد نقل دادند.

مراجع قم به تهران آمدند و بعضی از آنان هم در قم بودند و همگی به فعالیت ادامه می‌دادند که باید آقای خمینی مراجعت کنند آقای خمینی را در حبس و بعد از حبس در محاصره تا دو ماه نگه داشتند و بعد از گذشتن دولت علم و آمدن دولت منصور ایشان را به خاطر این که ملت آسوده نمود و کاری در این فرض نمی‌توانستند بکنند و فشار جوانان آزادمنش خارج و مسلمانانی که در کشورهای دور و نزدیک زندگی می‌کردند موجب شد که دوباره ایشان را به قم (در تاریکی شب برگردانند). فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، ش 55، بهار 1397